

فصل‌نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۴، شماره ۵۳، پاییز ۱۴۰۱، صص ۱۹۰-۲۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۵

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2022.694825](https://doi.org/10.30495/dk.2022.694825)

کشف و تحلیل نحوه کاربرد طلسمات دفینه‌ها و گنجینه‌ها در ابیات برگزیده از خمسه

نظامی

احمد جعفری^۱، دکتر یحیی طالبیان^۲، دکتر عباسعلی وفايي^۳

چکیده

یکی از پدیده‌های مورد بررسی در علم باستان‌شناسی بررسی باورها و مستندات تاریخی درباره طلسمات گنجینه‌ها است. علم طلسمات به این امور می‌پردازد: نحوه نگهداری از گنجینه‌ها، محافظت از آن در برابر سارقان و دشمنان به شیوه دفن در زیر زمین، قراردادن طلسم‌های مختلف بر روی آن‌ها، راه‌های تشخیص و گشودن طلسم در محل قرارگرفتن دفینه‌ها. نظامی در خمسه خود از این مضامین با جزئیاتی دقیق بهره برده است. لزوم بازبینی آثار سنتی ادب فارسی از جهت دانسته‌های علم باستان‌شناسی و کشف ارزش‌های تاریخی یک اثر برجسته ادبی این ضرورت را ایجاد کرده است که نحوه کاربرد مضامین طلسمات و گنجینه‌ها در خمسه نظامی کشف و بررسی شود. این پژوهش ضمن بهره‌گیری از مشاهدات میدانی، با انجام مصاحبه با کارشناسان میراث فرهنگی و بهره‌گیری از روش تحلیلی توصیفی انجام شده است. تحلیل ابیات مبتنی بر تقسیم‌بندی کالریج از تخیل و همین‌طور دو کارکرد متفاوت از تصویر در ادبیات، یعنی کارکرد زبانی و مجازی نشان می‌دهد که از نظر محتوا، طلسمات و گنجینه‌ها در حوزه‌های داستانی و همین‌طور تفاخر، تمثیل، توصیف، تغزل، مدح و منقبت و عرفان و تعرف به‌کار رفته‌اند که از این میان حوزه داستانی به دلیل استفاده از جزئیات دقیق بیشترین نمود را دارد و در سایر حوزه‌ها قدرت مضمون‌پردازی شاعر را آشکار می‌کند. در تحلیل بلاغی، بررسی سه ساختار متفاوت ادبی نشان می‌دهد که نظامی با کشف ویژگی‌های یکسان مفاهیم خاص و طلسمات و گنجینه‌ها آرایه‌های زیبای ادبی خلق کرده است.

واژگان کلیدی: علم طلسمات و گنجینه‌ها، کاربرد طلسمات و گنجینه‌ها در خمسه نظامی، تصویر زبانی، تصویر مجازی.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

ahmadjafary1372@yahoo.com

^۲ استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

ytaleblian@gmail.com

^۳ استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

a_a_vafaie@yahoo.com



مقدمه

علم باستان‌شناسی علمی است که به بررسی فرهنگ‌های انسانی از راه بازیابی، مستندسازی و تحلیل بازمانده‌های مادی بشر همچون معماری، دست‌ساخته‌ها و بازمانده‌های انسانی می‌پردازد و هدف نهایی آن، روشنگری درباره تاریخ بشر و شکل‌گیری تمدن است؛ به دلیل اهمیت تاریخی سحر، جادو و طلسمات، این مسائل مورد توجه باستان‌شناسان است و برخلاف دیدگاه عامه مبنی بر خرافی بودن آن، توجیهاتی علمی و تاریخی برای طلسمات مربوط به گنجینه‌ها وجود دارد.

کاربرد مضامین مربوط به علم طلسمات و گنجینه‌ها در ادبیات فارسی، بین باستان‌شناسی و شعر فارسی راهی گشوده است. این تصاویر معمولاً برای توسیع مضامین، خلق آرایه‌های ادبی و در مواردی بیان جزئیات تاریخی مربوط به علم طلسمات در شعر فارسی وجود دارند. نظامی گنجوی به سبب زندگی در شهر گنجه، از این مضامین در خمسه بسیار بهره برده است. این پژوهش در نظر دارد با بررسی دو بعد متفاوت تصاویر در ادبیات، یعنی تصویر زبانی و مجازی در اشعار نظامی به تحلیل نحوه کاربرد مضامین مربوط به طلسمات و ارزش تاریخی و ادبی آن‌ها بپردازد.

نظامی به اشکال مختلف از مفاهیم مربوط به گنج و طلسمات در جهت تصویرسازی‌های بلاغی بدیع، مضمون‌سازی و داستان‌پروری بهره برده است. خمسه نظامی غالباً منظومه‌ای تصویری است و نحوه کاربرد این علوم در تصویرسازی‌های ادبی نقش پررنگی در ساخت تصاویر بلاغی داشته است و تعمیق و تأمل در کیفیت و چگونگی این تصاویر نشانگر تسلط نظامی بر این علوم است که این هم در جنبه بلاغی شعر او مشهود است که نشان‌دهنده خلاقیت شاعر در اثر دانش زمان است و هم در جنبه معنایی آن دیده می‌شود که حاکی از رواج این عقاید در جامعه عصر شاعر است. در بیشتر ابیات، منظور شاعر از طلسمات، تله‌های گنجی بوده که در قدیم روی گنجینه‌های باارزش شاهان و افراد ثروتمند گذاشته می‌شده است. او این تله‌ها را در دوران حیات مشاهده کرده و با قریحه شعری خود پیوند داده است و توانسته از این تصاویر در توصیف‌های خود بهتر استفاده کند.

در عصر جدید مباحث مربوط به طلسمات جزء عقاید خرافی و گاه باورناپذیر تلقی می‌شوند. ممکن است این رویکرد به تحلیل‌های ادبی هم ربط پیدا کند و این تصور را ایجاد

کند که تصاویر و مضامین مبتنی بر علوم غریبه و طلسمات در شعر فارسی برگرفته از عقاید خرافی انسان‌های عصر کهن بوده است؛ در حالی که علم باستان‌شناسی، امروزه برای تمام این موارد توجیحات منطقی و علمی دارد. این پژوهش با رویکردی میان‌رشته‌ای و با استفاده از یافته‌های باستان‌شناسان به کشف و تحلیل و اثبات علمی نمونه‌هایی در خمسه نظامی می‌پردازد.

پیشینه تحقیق

این مقاله، نگرشی میان‌رشته‌ای بین «رشته‌های باستان‌شناسی و زبان و ادبیات فارسی» دارد و در تحلیل تصاویر و مضامین ادبی بر ساخته از گنج و طلسمات در ادبیات فارسی از یافته‌های باستان‌شناسی بهره گرفته است. در این حوزه پژوهش‌هایی به صورت کتاب یا مقاله دیده نشده است؛ فقط در بعضی فرهنگ‌ها از جمله فرهنگ اشارات سیروس شمیسا، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی محمدجعفر یاحقی و فرهنگ استاد دهخدا به صورت کلی مطالبی ذیل این واژه‌ها بیان شده است. در زمینه جادو و طلسمات دفینه‌ها در کتاب‌های تاریخی به این عنوان‌ها برخورد کرده‌ایم: ۱. طلسم و تعویذ از کارول راجرز، مترجم دکتر رقیه بهزادی؛ ۲. اسرار قاسمی تألیف ملاحسین واعظ کاشفی؛ همچنین چند مقاله با عناوین: «بررسی و تحلیل باورهای عامیانه در دیوان کمال‌الدین اصفهانی»، مشتاق مهر و عظیم‌زاده جوادی؛ «جادو در ایران باستان و کیش زرتشت»، مجتبی دماندی.

روش تحقیق

مبنای این مقاله پژوهش میدانی مبتنی بر مشاهدات مؤلفان در منطقه تپه مارلیک در گیلان و سنگ نگاره‌های تیمره واقع در شهر خمین است. ضمن اینکه مصاحبه‌های حضوری با کارشناسان وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری انجام شد؛ افزون بر این، با استفاده از روش کتابخانه‌ای، مطالعات لازم در زمینه باستان‌شناسی انجام شد و در بخش ادبیات نیز تحلیل و توصیف آثار مکتوب نظامی مبتنی بر مطالعات تصویرگرایی در ادبیات برگرفته از تقسیم‌بندی‌های کالریج و محمود فتوحی انجام شد.

مبانی تحقیق

گنج و نشانه‌های دفینه

در گذشته ثروتمندان و پادشاهان، اموال و اشیای خود را به دلایل مختلف در زیر زمین دفن می‌کردند و در کنار و روی آن نشانه‌هایی قرار می‌دادند تا بتوانند دوباره به آن دسترسی داشته

باشند. آن‌ها بنا بر زیادی زر و سیم و جواهرات، انواع حرز، طلسم و تله‌های مختلف را بر روی دفینه‌ها قرار می‌دادند تا کسی به آن دست نیابد. گاهی حتی مسئول دفن دفینه را می‌کشتند تا فقط افراد موثق از جای خزینه یا خزانه پادشاهی مطلع باشند. بعد از دفن دفینه نیز تصویری از محل پنهان‌شدن گنج و راه‌های مختلف منتهی به آن ترسیم می‌کردند که این نقشه «نسخه» گنج نامیده می‌شد. به افرادی که مسئول حفاظت خزینه و کلیددار آن بودند، گنجور (نگهبان گنج) گفته می‌شد (ر.ک: زاهدی، ۱۳۹۸)؛ نمونه‌ای از این موضوع در شرفنامه در داستان «رفتن اسکندر به البرز کوه» مشهود است، با راهنمایی بلیناس، مشاور اسکندر در این حوزه، اسکندر و سپاهیان‌ش با ایجاد طلسم مال و گنج خود را حفظ کردند:

طلسمی بر آن گنج بر پای کرد	به زیر زمین گنج را جای کرد
نهان کرد کز بردنش رنج بود	بفرمود تا هر که را گنج بود
به گِل گنج پوشید و خود بازگشت	پراکنده هر یک در آن کوه و دشت
برانگیخت شکلی ز تمثال خویش	جدا هر یکی بر سر مال خویش

(نظامی، ج ۲، ۱۳۸۸:۳۶۷)

با گذشت زمان، گردش روزگار، حملات اقوام مختلف و سقوط حکومت‌ها، محل دفن گنج و دفینه‌ها خراب می‌شدند؛ از این‌رو عامه معتقد بودند که گنج در خرابه و ویرانه پنهان است؛ نمونه این باور در این بیت از نظامی دیده می‌شود:

گُهر در سنگ و خرما هست در خار وز این سان در خرابی گنج بسیار

(نظامی، ج ۱، ۱۳۸۸:۳۰۷)

طلسم

طلسم از تلمسای یونانی است: «عملی بیرون از عادت که مبدأ آن را قوای فعاله آسمانی و قوای منفعله زمینی دانند و بدان امور عجیب و غریب پدید آید. طلسم می‌تواند عمل فوق عادت باشد یا نوشته‌ای شامل اشکال و ادعیه‌ای که به توسط آن عملی خارق‌عادت انجام دهند یا شکل و صورتی که بر سر خزائن و دفاین تعبیه کنند. در عربی طلسم (با فتح لام) گویند با جمع طلاسم و طلسمات، عبارت است از فنی که بدان چگونگی درآمیختگی قوای فعاله عالییه به قوای منفعله سافله شناخته می‌شود تا به وسیله آن فعلی غریب در عالم کون و فساد پدید آید» (دهخدا: ذیل واژه). «طلسم مجموعه‌ای از اشکال و ادعیه و خطوط مخصوص است که بر روی

قطعه‌ای فلزی یا آبگینه ترسیم می‌شود و برای دفع افعال بد و شر و مراقبت از شیء یا چیزی باارزش به کار می‌رود» (حجت، ۱۳۹۲: ۱۰۷-۱۰۸)، «طلسم تمزیج قوای فعالهٔ سماوی به قوای منفعلهٔ ارضی است به وسیلهٔ خطوط مخصوصی که اهل این فن، وهمی به کار می‌برند تا بدان هر مودی را دفع کنند و چه بسا که این کلمه را بر خود خطوط اطلاق می‌کنند. این کلمه معرب تالسمس است که به معنی تکمیل می‌باشد» (دهخدا: ذیل واژه).

بلیناس کیست؟

«نام حکیمی است که انیس و جلیس سکندر بود» (برهان قاطع: ذیل واژه)؛ «او را بلیناس جادو نیز خوانند» (آندراج: ذیل واژه)؛ «از مردم طوانه بلدی به روم. گویند او اول کسی است که در طلسمات سخن گفت و کتاب بلیناس راجع به اعمالی که در موطن خویش و در ممالک دیگر از طلسمات کرده، مشهور است»^۱ (ابن ندیم، ۱۳۴۳: ۵۵۳)؛ «در دائرةالمعارف اسلام آمده است که بلیناس حکیم که یک قرن پیش از میلاد در تیانای یونان زندگی می‌کرده، بزرگترین استاد و پدر طلسمات بوده و به «صاحب طلسمات» مشهور بوده است، او در شهرها و نواحی مختلف، تعدادی طلسمات برای حفاظت مردمان از طوفان‌ها، ماران، عقرب‌ها و ... گذاشته بود» (عزیزی‌فر، ۱۳۹۲: ۸۷). یکی از لوازم بلیناس که با آن شعبده‌بازی می‌کرده است، کوزهٔ معروف او بوده و مانند جام جهان‌نما شهرت خاصی داشته است.

طلسمات و تله‌های گنج

در فرهنگ ایرانیان و در علم باستان‌شناسی و گنج‌یابی، طلسم گسترش معنایی یافته و بیشتر معادل با تله‌های گنج به کار می‌رود. اگر گنجی انواع و اقسام تله‌ها را داشته باشد، عامهٔ مردم معتقدند که آن گنج، طلسم دارد، در صورتی که طلسم نیروهای ماورائی است؛ ولی تله، نیروهای طبیعی است و می‌توان آن را از کار انداخت. تلهٔ گنج به ابزاری گفته می‌شود که بر اساس قلق‌بندی اشیای متحرک و آسیب‌رسانی که با آن برخورد می‌کند، حساس است و در صورت فعال‌شدن، واکنش نشان می‌دهد. این‌گونه تله‌ها در قسمت‌های ورودی تونل‌ها، راهروها و اتاق‌ها کاربرد دارند.

طلسم مار و گنج

مار یکی از حیواناتی است که در طلسمات دینه‌ها بسیار کاربرد دارد و «علاقهٔ این موجود به گنج و حفاظت از جواهر، مشهود است تا جایی که اژدهای زرد مظهر طلای زرد است با

هزاران سال عمر» (رستگار فسایی، ۱۳۷۹: ۲۵)؛ در برخی موارد مار و اژدها را یکسان دانسته‌اند؛ در واقع می‌توان گفت اژدها، صورت اساطیری مار است. به هر صورت مار نیز با گنج پیوند می‌یابد. در حکایتی از عجایب‌نامه، آمده است: «پسری درویش شد. آن حقه از وی بستد، سر حقه بگشاد ماری بیرون آمد در سولانخی رفت وی آن سولانخ را بکند. گنجی یافت و مال‌ها بی‌اندازه. چون از دنیا رحیل کرد، آن مار هر سال دیناری از آن گنج برآورد و بر آن چشمه نهاد» (همدانی، ۱۳۹۰: ۲۰۲). به‌علاوه تمثال مار روی طلسم‌ها همواره حاکی از ارتباط مار و گنج است (ر.ک: جابز، ۱۳۷۰: ۱۲۸). علاوه بر اساطیر ایرانی، در اسطوره‌های سایر ملل نیز مار و اژدها به‌صورت محافظ گنج جلوه‌گر شده‌اند؛ از جمله در اساطیر چین که اژدها پاسدار گنجینه‌های خاقان است. «اژدها همانند ناگارا جاس در هند پاسدار گنجینه خاقان در کاخ‌های بلورین ژرفای دریاست و خوراک این اژدها مروارید و عین‌الهر است» (کریستی، ۱۳۸۴: ۲۱۹)، در اساطیر هند موجودی با شکلی عجیب است با عنوان کبرا که می‌تواند همان صورت اژدها باشد که محافظ مدفن گنج‌هاست (ر.ک: ایونس، ۱۳۷۳: ۱۵۰)، «مار تقریباً در باورهای مذهبی و اسطوره‌های همه جوامع حضور دارد و نقش‌های متعدد ایفا می‌کند؛ با تجدید جوانی، جاودانگی، دیرزیوی و خرد پیوند داشت، چون پوست می‌اندازد و به خاطر شکل مارگونه‌اش با جنسیت نیز بی‌ارتباط نبود. مارهایی در کوه‌ها یا در حفره‌های زمین می‌زیند، با جهان زیرین، دنیای مردگان، باروری و ذهن ناخودآگاه پیوند دارد» (وارنر، ۱۳۸۶: ۵۴۶). اژدها (dragon) که در فارسی به‌صورت‌های اژدر و اژدرها و در عربی تین و ثعبان به‌کار می‌رود، موجودی است اساطیری به‌شکل سوسماری عظیم با دو پر که آتش از دهان می‌افکنده و پاسبان گنج‌های زیر زمین بوده است. گنج قارون که هفت خُم بود، به زمین فرورفت و پاسبان آن، اژدهایی است که رویش خوابیده بود» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۱۰۵)؛ «در عالم نمادشناسی اژدها نگهبان سخت‌گیر گنج‌های پنهان و نماد شرّ و گرایش‌های شیطانی معرفی شده است. در افسانه‌های زیگفرید تصریح شده است گنجی که توسط اژدها پاسداری می‌شود، جاودانگی است» (همان: ۱۱۰)؛ «مار در جاهای بسیاری نقش محافظ دارد؛ محافظ گنج‌ها. در افسانه‌ها و همچنین در اساطیر یونانی، ماری محافظ سیب‌های زرین جوانی جاودانه خدایان است» (هال، ۱۳۸۰: ۹۶).

هرکجا که گنج باشد، مار هم هست و مار به دور گنج حلقه می‌زند؛ برای نمونه می‌توان به فعالیت باستان‌شناسان در تپه مارلیک در گیلان اشاره کرد که ابتدا نام این مکان چراغعلی تپه

بوده و بعداً به این دلیل که گنج و مارهای بسیاری را آنجا یافتند، نام آن به مارلیک به معنای سوراخ و مکان مار، تغییر یافت؛ زیرا لیک در زبان محلی آن منطقه به معنای مکان یا سوراخ است. سپس افرادی را در این منطقه به‌کار گماشتند تا این مارها را گرفته و داخل الکل نگهداری کنند تا روی آن‌ها مطالعاتی صورت گیرد. عامه مردم براین باورند که طلسم مار برای گنج وجود ندارد ولی در عصر حاضر و با پیشرفت علم و دانش باستان‌شناسی دلایل منطقی و علمی را جایگزین آن می‌کنند، یکی از این دلایل آن است که درواقع یون‌های اکسیدشده در اطراف دفینه باعث گرم‌شدن خاک می‌شود و مار هم که علاقه زیادی به گرما دارد؛ گنج را مانند خانه‌ای گرم برای خود می‌داند و به‌این‌ترتیب به‌طور طبیعی به نگهبان آن تبدیل می‌شود (ر.ک: زاهدی، ۱۳۹۸).

گنج و مارهای سیاه

طبق مطالعات میدانی مؤلفان (مارلیک و تیمره) در باورهای عامیانه، هرچه رنگ مار تیره‌تر باشد، قدرت و شدت زهرآگینی آن بیشتر است و می‌تواند موجودات را زودتر از پای درآورد؛ به همین دلیل در ادبیات و باورهای مردمان بیشتر از مارهای سیاه یاد می‌شود تا انواع دیگر آن. نظامی هم در بیشتر مواردی که از مار و گنج صحبت کرده حتماً به این جنبه از آن توجه داشته و در اشعارش به‌کار برده است:

زردی شعله در بخار گیاه گنج زر بود زیر مار سیاه

(نظامی، ج ۲، ۱۳۸۸: ۷۸)

گنج و رنج

گنج به‌دلیل ارزش و اهمیتی که داشته و دارد، در دسترس همگان نیست و باتوجه به اینکه در روزگاران قدیم وسائل امروزی مانند ردیاب و گنج‌یاب وجود نداشته است، یافتن گنج بسیار مشکل‌تر از اکنون و با رنج زیادی همراه بوده است؛ ازطرفی دستیابی به گنج و استخراج آن نیز با رنج و سختی بسیاری همراه بود؛ چرا که به انواع و اقسام تله‌ها و طلسمات آمیخته بود. در این دفینه‌ها تله‌هایی به‌کار می‌بستند تا کسی نتواند به آن دست یابد. در باورهای عامیانه مردم نیز، کم و بیش از این موضوع آگاهی داشتند و می‌دانستند که رسیدن به گنج همراه با رنج و سختی است. اگر کسی برای به‌دست آوردنش به‌دنبال آن می‌رفت، می‌بایست به علم طلسمات آگاهی داشت، وگرنه برای او مشکل‌ساز می‌شد یا حتی جان خود را به‌خطر می‌انداخت. این

طلسمات را باید به گونه‌های مختلف خنثی کرد و از کار انداخت و سپس به گنج رسید (مطالعات میدانی مؤلفان: مارلیک و تیمره).

گنجنامه و خزینه گنج

«کاغذ یا چیز دیگر که جای پنهان کردن گنج و مقدار زر در آن نوشته باشد» (آندراج: ذیل واژه)؛ «کاغذ یا چیز دیگر که جای پنهان کردن و کمیت زر در آن مرقوم یا منقوش باشد» (چراغ هدایت: ذیل واژه)؛ «کتاب گنج، فهرست گنج، قبالة گنج» (ناظم‌الأطبا: ذیل واژه)؛ «نامه‌ای که در آن مکان گنج یا گنج‌هایی تعیین شده است. نامه‌های قدیمی که در آن نشان و وصف گنجی و دفینه‌ای کرده‌اند. مخزن و انبار. آن‌جا که اشیا را نگه دارند، خزانه. در این معنی مقصود از خزینه محلی است که اشیا اعم از قیمتی یا غیر قیمتی در آن نهند ولی معمولاً به محلی اطلاق می‌شود که در آن جا اشیا قیمتی می‌نهند؛ یعنی گنج‌خانه» (دهخدا: ذیل واژه).

چو دربندی، بدان می‌باش خرسند که تو گنجی، بود گنجینه در بند

(نظامی، ج ۱، ۱۳۸۸: ۳۵۴)

بحث

کالریج از نظریه پردازان مهم درباره تخیل، آن را به دو دسته تخیل اولیه و تخیل ثانویه تقسیم می‌کند: تخیل اولیه که آن را خیال می‌نامد، در مرتبه‌ای پایین‌تر از تخیل قرار می‌گیرد و بین عموم ابنای بشر مشترک است، توانایی است که همه آن را دارند، قوه‌ای که می‌تواند جهان واقع را در عالم ذهن تصویر کند و در مقابل، تخیل ثانویه مهارتی است که شاعران دارند؛ یعنی مهارت خلق تصاویر از طریق به هم آمیختن تصاویر واقعی و خیالی و برساختن تصاویری که نخستین بار از ذهن شاعر تراوش می‌کند و سپس مخاطب با آن مواجه می‌شود، این همان جایی است که پای بلاغت باز می‌شود؛ یعنی تصاویری که با استفاده از صناعات مختلف ادبی ساخته می‌شوند (ر.ک: پورنامداریان، ۱۳۸۶: ۳-۲). فتوحی نیز مبتنی بر همین تعریف از تخیل تصاویر ادبی را به دو دسته تقسیم کرده است: تصاویر زبانی و تصاویر خیالی.

تصویر زبانی

این اصطلاح به تصاویری اطلاق می‌شود که برساخته از واژگانی هستند که در معنای قاموسی خود به کار می‌روند. این دسته از تصاویر دنیای واقع را در ذهن مخاطب تداعی می‌کند، بدون اینکه معنایی غیرحقیقی و هنجارشکن داشته باشند، جزئیات این تصاویر در جریان زندگی

واقعی مشهود است و وقتی با چنین تصاویری در یک متن مواجه می‌شویم، می‌توانیم به راحتی آن را در ذهن مرور کنیم (رک: فتوحی، ۱۳۸۵: ۵۰)؛ برای مثال می‌توان به جملات آغازین رمان پرنده من اشاره کرد: «می‌گویند در خیابان‌های چین هیچ حیوانی دیده نمی‌شود. هر جا نگاه کنی، فقط آدم می‌بینی. باین حساب محله ما کمی بهتر از چین است؛ چون یک گربه هرزه داریم که روی هره ایوان می‌نشیند و همسایه طبقه سوم هم از قرار طوطی نگه می‌دارد. یک مغازه پرنده‌فروشی هم سر خیابان داریم» (وفی، ۱۳۸۱: ۱). هیچ واژه‌ای در این متن در معنایی خیالی به کار نرفته است. همه واژگان مطابق معنای معیار هستند اما باز هم در ذهن تصویر ایجاد می‌کنند؛ تصویر یک گربه، طوطی، یک محله، چین، آدم‌ها. این تصاویر ناشی از زبان است؛ در واقع علم ما به یک زبان همراه با تصاویری است که واحدهای زبانی در ذهنمان ایجاد می‌کنند.

تصویر خیالی

این نوع تصویر که مبتنی بر مجاز است، همان چیزی است که در ادبیات با عنوان بلاغت می‌شناسیم؛ یعنی اینکه زبان قابلیت این را دارد که تصاویری بسازد که فقط در عالم خیال تصورشدنی است. در چنین تصویرهایی دیگر واژه آن شخصیت مستقل معنایی مورد نظر همگان را ندارد و در لباسی جدید و به معنایی به کار می‌رود که در خیال خالق آن برای نخستین بار تصور شده است (رک: فتوحی، ۱۳۸۵: ۵۵-۴۷)؛ برای مثال در هفت پیکر نظامی در ختم کتاب و دعای علاءالدین کرب ارسلان این چنین آمده است:

تنگ چشمان معنی‌ام هستند	که رخ از چشم تنگ بر بستند
هر عروسی چو گنج سربسته	زیر زلفش کلید زر بسته

(نظامی، ج ۲، ۱۳۸۸: ۲۰۵)

تصاویر مربوط به دختران تنگ چشم، عروس، زلف و گنج در این شعر دیگر معادل آن تصویر اولیه‌ای که در ذهن شکل می‌گیرد نیست؛ بلکه با استفاده از فنون بلاغی بر مبنای وجوه شباهت بین «معنای باارزش شعر نظامی» و ارزش عروس و گنج تصویری مجازی ساخته شده است.

در ادامه ضروری است که اشاره کنیم که تصاویر در خلأ شکل نمی‌گیرند؛ بلکه مبتنی بر دانش‌ها و تجربه‌های فردی و عمومی آگاهانه و ناخودآگاه شاعر هستند. «ایپولیت تین پدیده‌های

اجتماعی را که ادبیات هم یکی از آنهاست، تحت تأثیر سه عامل محیط، نژاد و زمان می‌داند. از نظر او ادبیات بازتاب آداب و رفتار و خلیات عصر نویسنده است. آثار ادبی نتیجه تعامل سه دسته از عواملند: زیستی، فرهنگی و تاریخی. عوامل زیستی در نژاد، فرهنگی در محیط و تاریخی در زمان بروز می‌کنند» (علایی، ۱۳۸۰: ۲۳). سه منشأ الهام را می‌توان برای صور خیال مطرح کرد: ۱. طبیعت؛ ۲. محیط؛ ۳. دانش زمان؛ شاعر یا در طبیعت چیزی را دیده، یا آن را در محیط زندگی خود تجربه کرده یا با امری مواجه است که دانش رایج در زمان اوست. این یک دیدگاه تجربه‌محور است (رک: طالبیان، مقدمه). پس حتی همان تخیل ثانویه در دیدگاه کالریج نیز از ارتباط بین تصاویر مختلف شکل می‌گیرد، این ارتباط از کجا ناشی می‌شود؟ از تجربه‌های شاعر.

شاعر هنگام سرودن شعر از واژه‌هایی کمک می‌گیرد که در محیط پیرامونش لمس شدنی باشند؛ از طرفی بنا به نظریه فرامتنیت ژرار ژنت، متن‌هایی که در طول زمان ایجاد می‌شوند، به‌طور ناخودآگاه روی هم اثر می‌گذارند و رویکرد و دیدگاه یک نویسنده یا شاعر می‌تواند بعد از مدتی در آثار دیگر هم دیده شود، چیزی که پیشتر از آن با عنوان دانش زمان یاد کردیم، می‌تواند از این موضوع نیز تأثیر بپذیرد؛ یعنی دانشی که در یک زمان وجود دارد و نویسنده یا شاعر از آن تأثیر می‌پذیرد، بدون اینکه آگاهانه بداند این دانش ناشی از آثاری است که در گذشته نوشته شده‌اند (رک: طالبیان، مقدمه).

یک نمونه از مطالبی که گفته شد، بسامد بالای کاربرد واژه گنج در خمسه نظامی است که حاکی از اهمیت موضوع در ذهن و زبان شاعر است. برای درک این موضوع در خمسه نظامی، لازم است پیشینه شهر گنجه، محل زندگی شاعر، بررسی شود. نام گنجه در منابع تاریخی و جغرافیایی، به این شکل بیان شده است:

«نام شهری است مشهور ما بین تبریز و شیروان (اصح شیروان) است و گرجستان و مولد شیخ نظامی علیه‌الرحمه است» (برهان قاطع، ۱۳۴۲: ذیل واژه)؛ «نام شهری است از ولایات اران در اواخر آذربایجان و منسوب بدان‌جا را گنجوی گویند» (دهخدا: ذیل واژه)؛ «شهری است (به اران) که با کشت و برز بسیار و آبادان و با نعمت و از وی جامه‌های پشمین خیزد از هرگونه» (حدودالعالم من المشرق الی المغرب، ۱۳۶۲: ۱۶۱)؛ «شهر بزرگی است که قصبه بلاد اران است و اهل ادب آن را جنزه می‌نامند» (معجم البلدان: ذیل واژه)؛ «گنجه از اقلیم پنجم است طولش از

جزایر خالادات «فج» و عرض از خط استوا «م لد» شهر اسلامی است در سنهٔ تسع و ثلاثین ه.ق ساخته شد و شهری خوش آب و هوا و مرتفع بود و در این معنی گفته‌اند:

چند شهر است اندر ایران مرتفع‌تر از همه بهتر و سازنده‌تر از خوشی آب و هوا
گنجۀ پرگنج در ارژان، صفاهان در عراق در خراسان مرو و طوس در روم باشد اقسرا
(مستوفی قزوینی، ۱۳۶۷: ۹۲-۹۱)

«برخی از شهرهای قدیم ایران به مناسبت وفور ثروت و ذخائر به (گنج - غزنه) نامیده شده‌اند؛ مانند شهر گنج در شمال آذربایجان...» (معین، ۱۳۹۴: ۲۰۳)؛ «گنج، دارای معادن آهن و سنگ طلا است» (دهخدا: ذیل واژه)؛ نظامی در شهری خوش آب‌وهوا و پر از گنج زندگی می‌کرده است، این شهر را گنج «منسوب به گنج» نامیده‌اند؛ بنابراین، فرضیهٔ پژوهش این است که آگاهی نظامی دربارهٔ طلسمات و جزئیات آن، ناشی از محیط زندگی اوست و تصاویر ادبی فراوانی در شعر نظامی برمبنای همین واقعیت عینی ساخته شده است.

در پژوهش پیش رو با استفاده از تقسیم‌بندی فتوحی، تصاویر مبتنی بر گنج و طلسمات در خمسه نظامی تحلیل خواهند شد؛ یعنی ابتدا تصاویر زبانی از نظر محتوایی و سپس تصاویر مجازی که با استفاده از این مضامین ساخته شده‌اند، بررسی خواهند شد؛ درنهایت دربارهٔ تأثیر تاریخ زندگی نظامی بر تولید این تصاویر بحث می‌شود.

کشف و تحلیل ابیات برگزیده

تصاویر زبانی

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، تصویر زبانی، شامل تصاویری است که در واقعیت وجود دارد. در دنیای ادبیات می‌توان از این تصاویر برای توسیع مضمون استفاده کرد. تصاویر مربوط به گنج و طلسمات در خمسه نظامی، نقش پررنگی در داستان‌پروری داشته است؛ یعنی این تصاویر در معنای قاموسی خود به‌کار رفته‌اند و با تداعی تصاویر واقعی، داستان‌هایی را خلق کرده‌اند. با توجه به اینکه بخش زیادی از منظومه‌های نظامی داستانی هستند یا ساختاری حکایت‌محور دارند، در بخش‌های زیادی از این داستان‌ها ماجراهای مربوط به پنهان‌کردن گنج‌ها، طلسمات و گشایش آن‌ها دیده می‌شود. لازم به ذکر است این مورد در مخزن‌الاسرار که یک منظومهٔ عرفانی است، بسیار کمتر از بقیهٔ منظومه‌های تاریخی است و در این کتاب بیشتر به مبحث عرفانی آن توجه شده است. این مضمون در منظومه‌های تاریخی نظامی در داستان‌های

زیادی آمده است که برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: مخزن الاسرار: داستان هارون‌الرشید با حلاق (ر.ک: نظامی، ج ۱، ۱۳۸۸: ۹۰)؛ خسرو و شیرین: در خواب دیدن خسرو پیغمبر اکرم را (ر.ک: نظامی، ج ۱، ۱۳۸۸: ۳۶۵)؛ لیلی و مجنون: زاری کردن مجنون در مرگ لیلی (ر.ک: نظامی، ج ۱، ۱۳۸۸: ۵۶۰)؛ هفت پیکر: کشتن بهرام ازدها را و گنج یافتن (ر.ک: نظامی، ج ۲، ۱۳۸۸: ۱۲۳)؛ اسکندرنامه: نشستن اسکندر برجای دارا (ر.ک: نظامی، ج ۲، ۱۳۸۸: ۳۱۶)، ویران کردن اسکندر آتشکده‌های عجم را (ر.ک: نظامی، ج ۲، ۱۳۸۸: ۳۲۴).

طلسم

نظامی در حکایتی از شرفنامه با عنوان «خراب کردن اسکندر آتشکده‌های ایران زمین را» روایت می‌کند که سپاهیان اسکندر در لشکرکشی به اصفهان برای به‌آتش کشیدن آتشکده‌ها با دختری جادو به نام آذرهمایون مواجه شدند:

زن جادو از هیکل خویش‌تن	نمود ازدهایی بدان انجمن
ز بیم وی افتان و خیزان شدند	به نزد سکندر گریزان شدند
که هست ازدهایی در آتشکده	چو قاروره در مردم آتش زده
کسی کو بدان ازدها بگذرد	همان ساعتش یا گُشد، یا خورد

(نظامی، ج ۲، ۱۳۸۸: ۳۲۷)

بلیناس حکیم برای شکستن این طلسم دستور داد هنگام طالع شکستن جادو مقداری سُداب^۲ بر بدن آن دختر بریزند، چنین کردند و آن دختر ازدهاوش اسیر شد:

به چاره‌گری زیرک هوشمند	فسون فساینده را کرد بند
بفرمود کارند لختی سُداب	بر آن ازدها زد چو آتش بر آب
به یک شعبده بست بازیش را	تبه کرد نیرنگ‌سازیش را

(همان)

در منظومه خسرو و شیرین در داستان «خواب دیدن خسرو پرویز پیغمبر اکرم (ص) را»، می‌بینیم که در این داستان، چگونگی قرارگیری گنج و دفينه در خزانه‌ها با جزئیات کامل بیان می‌شود:

بعد از اینکه خسرو پرویز در خواب دید که دعوت پیامبر (ص) را به اسلام نپذیرفت آشفته‌حال شد و مدتی خواب به چشمش نیامد. وی برای التیام این درد روزی با شیرین به

گنج‌خانه رفتند و تصمیم گرفتند که از این جواهرات به فقرا ببخشند. در خزانه، گنج‌های بسیاری که از زمان کیخسرو تا خسرو پرویز ذخیره شده بود، در داخل خریطه نگهداری می‌شد:

چهل خانه که او را گنجدان بود
 یکی ز آن آشکارا ده نهان بود^۴
 به هر گنجینه‌ای یک یک رسیدند
 متاعی را که ظاهر بود دیدند
 دگرها را به نسخت راز جستند
 ز گنجوران کلیدش باز جستند

(نظامی، ج ۱، ۱۳۸۸: ۳۶۵)

گنجوران کلیدها و نسخه‌های گنج‌های دیگر را نزد خسرو آوردند. به همراه هر نسخه، کلیدی مخصوص قفل همان گنج بود. در میان نسخه‌ها کلیدی از جنس زر ناب با قفل نامشخص وجود داشت. خسرو دربارهٔ این کلید پرسید. در پاسخ نشانه‌هایی را به او دادند. از جست‌وجوی همین نشانه‌ها در دل زمین به طاقی رسیدند:

در او در بسته صندوقی ز مرمـر
 به فرمان شه آن در بر گشادند
 طلسمی یافتند از سیم ساده
 بر آن لوح زر از سیم سرشته
 بر آن صندوق سنگین قفلی از زر
 درون قفل را بیرون نهادند
 بر او یک پاره لوح از زر نهاده
 زر اندر سیم ترکیبی نوشته

(همان، ۱۳۸۸: ۳۶۶)

پس پیری آمد و آن ترکیب را چنین رمزگشایی کرد:

که شاهی کاردشیر بابکان بود
 ز راز انجم و گردون خبر داشت
 ز هفت اختر چنین آورد بیرون
 بدین پیکر پدید آید نشانی
 به چستی پیشوای چابکان بود
 در احکام فلک نیکو نظر داشت
 که در چندین قران از دور گردون
 در اقلیم عرب صاحبقرانی

(همان، ۱۳۸۸: ۳۶۶)

در این داستان می‌توان مواردی را در رابطه با طلسم و گنج استنباط کرد: قراردادن نشانه در روی زمین برای گنج‌های پنهان در زیر زمین، رمزی بودن نشانه‌ها، اطلاع افراد اندک از رازها و نشانه‌های طلسمات، قراردادن گنج در صندوق سنگی برای امنیت زیاد، آوردن طلسم در معنای واقعی یعنی خطوط و نقوش که فقط افراد کمی آن را می‌فهمند و بیان ویژگی‌های این افراد یعنی آگاهی از راز ستارگان، راز دور گردون، احکام فلک، راز هفت اختر، خطوط باستان و علوم غریبه.

انواع طلسمات و تله‌های گنج

در بعضی ابیات پنج‌گنج نظامی، واژه طلسم معادل تله به کار رفته است؛ از جمله در هفت‌پیکر و «داستان نشستن بهرام در گنبد سرخ در روز سه‌شنبه و افسانه‌گفتن دختر پادشاه اقلیم چهارم»، نظامی به طلسم و تله چاه اشاره کرده است؛ چاهی که پر است از شمشیرها و خنجرهایی که در راه ورودی قلعه تعبیه شده و در صورت قدم‌گذاشتن روی آن عمل می‌کند و می‌تواند باعث مرگ فرد شود.

از سر زیرکی طلسمی چند هر یکی دهره‌ای ^۴ گرفته به چنگ گشتی از زخم تیغ‌ها به دو نیم هر که آن راه رفت عاجز بود ره نرفتی مگر به گام شمار اوفتادی سرش از کالبدش ماه عمرش نهان شدی در میغ	کرد در راه آن حصار بلند پیکر هر طلسم از آهن و سنگ هر که رفتی بدان گذرگه بیم جز یکی کو رقیب آن دز بود و آن رقیبی که بود محرم کار گر یکی پی غلط شدی ز صدش از طلسمی بدو رسیدی تیغ
---	--

(نظامی، ج ۲، ۱۳۸۸:۱۲۵)

طلسم مار و گنج

در داستانی در هفت‌پیکر، بهرام گور در پی تعقیب یک گور تیزپا به غاری می‌رسد و در ورودی غار اژدهایی را می‌بیند که بسیار سیاه‌رنگ است و از دهانش آتش بیرون می‌جهد. این اژدها بچه گور را خورده و بسیار قوی شده است. بهرام اژدها را می‌کشد و بچه گور را از شکمش بیرون می‌آورد؛ سپس دوباره گور را دنبال می‌کند و وارد غار می‌شود و خُم‌های گنج بسیاری پیدا می‌کند و سپاهیان او این گنج را سوار بر سیصد شتر جوان بار می‌کنند.

شد در آن غار تنگنای به زور یافت گنجی و بفروخت چو گنج چون پری روی بسته از مردم رفت از آن گورخانه پی‌گم کرد و اژدها را ز گنج‌خانه برید	شه دگرباره در گرفتن گور چون قدر مایه شد به سختی و رنج خسروانی نهاده چندین خُم گور خان را چو گور در خُم کرد شه چو بر قفل گنج یافت کلید
--	---

(همان، ۱۳۸۸:۴۰)

تصاویر مجازی

در این دسته تصاویر، نظامی از ارتباط بین تصاویر مربوط به گنج و طلسمات با تصاویر دیگر، دست به ابداع تصاویر خیال‌انگیز زده است و تصاویر مجازی را خلق کرده است؛ یعنی تصاویری که مبتنی بر بیان بلاغی هستند. این تصاویر در عالم واقع وجود ندارند؛ اما در تخیل ثانویه‌ای که کالریج مطرح کرده است، تصورپذیر هستند و منبع تشکیل این‌ها همین نوع تخیل است، بهره‌برداری بلاغی نظامی از این تصاویر را ابتدا از جهت کاربرد محتوایی آن و سپس از نظر ساختار بلاغی بررسی خواهیم کرد:

بهره‌برداری محتوایی

اگر بخواهیم پنج‌گنج نظامی را از نظر محتوایی دسته‌بندی کنیم، درخواستیم یافت که در انواع موضوعات برای مضمون‌سازی‌های ادبی؛ یعنی بیان موضوعات در قالبی ادبی از تصاویر مربوط به طلسمات و لوازم آن بهره برده است؛ همانطور که پیش از این نیز مطرح شد، قدرت نظامی در توصیفات از این دست، ناشی از مشاهدات عینی او در محیط زندگی‌اش است. در ادامه نمونه‌ای از این نوع مضمون‌سازی‌ها خواهد آمد:

تفاخر

هرچه وجود است ز نو تا کهن	فتنه شود بر من جادو سخن
صنعت من برده ز جادو شکیب	سحر من افسون ملائک فریب
بابل من گنجه هاروت‌سوز	زهره من خاطر انجم‌فروز

(نظامی، ج ۱، ۱۳۸۸: ۲۴)

تمثیل

نموداری که از مه تا به ماهی است	طلسمی بر سر گنج الهی است
طلسم بسته را با رنج یابی	چو بگشایی، به زیرش گنج یابی
طبایع را یکایک میل درکش	بدین خوبی خرد را نیل درکش

(همان، ۱۳۸۸: ۱۰۰)

توصیف

یکی از کارکردهای مفاهیم مربوط به علم طلسمات، توصیف و فضا‌سازی است؛ به طوری که در جاهای مختلفی از خمسه برای توصیف صحنه‌های مربوط به طبیعت، مکان‌ها، شب و روز، پدیده‌های طبیعی، مضامین مربوط به عاشق و معشوق و ... از این مفاهیم استفاده کرده است؛

مثلاً در توصیف شب و درخشندگی ستارگان این ابیات را سروده است:

شب که نهانخانه گنجینه‌هاست در دل او گنج بسی سینه‌هاست
(همان، ۱۳۸۸: ۸۷)

و در توصیف صبح و بالا آمدن خورشید:

نکو ملکی است ملک صبحگاهی در آن کشور بیابی هرچه خواهی
کسی کو بر حصار گنج ره یافت گشایش در کلید صبحگه یافت
غرض‌ها را حصار آنجا گشایند کلید آنجاست کار آنجا گشایند
(همان، ۱۳۸۸: ۲۷۹-۲۷۸)

تغزل

و آن جان که لب تواش خزانه است گنجینه عمر جاودانه است
(همان، ۱۳۸۸: ۵۲۴)

مدح و منقبت

مدح شاهان: دعای پادشاه سعید، علاءالدین کرپ ارسلان

خسرو تاج‌بخش تخت‌نشان بر سر تاج و تخت گنج‌فشان
چون در کان جود بگشاید گنج بخشد گناه بخشاید
(نظامی، ج ۲، ۱۳۸۸: ۱۴-۱۳)

توحید خداوند

بسم الله الرحمن الرحيم هست کلید در گنج حکیم
(نظامی، ج ۱، ۱۳۸۸: ۳)

گنج

گنج دانش، معرفت و فضیلت. نظامی در موارد دیگر نیز «گنج» را استعاره از دانش و معرفت گرفته است. بسم الله الرحمن الرحيم به منزله کلیدی است که در گنج دانش و اندیشه حکیم را می‌گشاید. چون سخن را با نام خدا آغاز می‌کند؛ پس ای نظامی تو نیز با نام خدا سخن را آغاز کن.

خرد هر کجا گنجی آرد پدید ز نام خدا سازد آن را کلید
(نظامی، ج ۲، ۱۳۸۸: ۴۹۳)

نعت پیامبر

ای نقشش تو معرج معانی
از هفت خزینه در گشاده
معراج تو نقل آسمانی
بر چار گهر قدم نهاده
(نظامی، ج ۱، ۱۳۸۸: ۳۹۳)

عرفان و تعرف

تا تو به خاک اندری ای گنج پاک
شرط بود گنج سپردن به خاک
(همان: ۱۳)

گنج پاک

کنایه از پیامبر(ص) که گنجی است که آلوده خاک و ارزش‌های زمینی نیست، چنانکه وقتی خداوند خود را در حدیثی گنج مخفی می‌خواند، منظور گنج زمینی نیست. از زمانی که تو ای گنج پاک در زیر زمین خوابیده‌ای، گنج و دینه به خاک سپردن و در خاک دفن کردن، مقرر و متداول شده است. چون زمین محافظ و امانت‌دار خوبی است (ر.ک: پورنامداریان و موسوی، ۱۳۹۲: ۱۹۵).

ساختار بلاغی

آرایه بر مبنای موسیقی

جناس

به لشکر چنین گفت قنطال روس
چنین لشکر خوب نادیده رنج
که مردافکنان را چه باک از عروس
همه سربه سر کاروان‌های گنج
(نظامی، ج ۲، ۱۳۸۸: ۴۳۳)

رنج بر که وقت رنج بردن توست
رنجبرد توره به گنج برد
گنج شه در ورق شمردن توست
ببرد گنج هر که رنج برد
(همان: ۱۰)

تصدیر و تکرار

گوهر آمای گنج‌خانه راز
کآن هر گنج کافرید خدای
گنج گوهر چنین گشاید باز
منم آن گنج را طلسم گشای
(همان: ۲۸)
(همان: ۱۱۵)

آرایه بر مبنای شباهت‌های تصویری

تلمیح

همه گنج ناخورده را خورده گیر / نهنگی به برگذر کرده گیر
سرانجام در خاک بین چون نشست / از آن گنج کآورد قارون به دست
(نظامی، ج ۲، ۱۳۸۸: ۲۸۱)

برآوردم آتش ز دریای روس / فروشستم از ملک رسم مجوس
ز گنج فریدون گشادم حصار / شدم بر سر تخت جمشیدوار
(همان: ۶۱۹)

ز گرمی سوختی صد گنج را آه / ز گنج سوخته چون ساختی راه
(نظامی، ج ۱، ۱۳۸۸: ۲۱۳)

گنج سوخته «نام گنج پنجم است از جمله هشت گنج خسروپرویز و معنی ترکیبی آن گنج سنجیده است، چه سخته و سوخته به معنی سنجیده هم آمده است» (برهان قاطع و آندراج: ذیل واژه)؛ در الجواهر بیرونی درباره گنج سوخته افسانه‌ای آمده است که خلاصه آن چنین است: «در سرزمین فارس گنجینه‌ای بود آراسته به مال‌ها و دراهم و انواع گوهرها و عطریات و روغن‌ها، پس صاعقه در آن افتاد و چهار ماه حریق آن دوام داشت و بوی آن تا چهل فرسخ گرداگرد حیوانات را می‌گشت و چون آتش خاموش شد خاکستر را بچستند در زیر آن یاقوت‌های سرخ دیده می‌شد» (ابوریحان بیرونی، ۱۳۷۵: ۷۲).

تناسب

نه گنجی، ای دل از ماران چه نالی؟ / که از ماران نباشد گنج خالی
چو طاووس بهشت آید پدیدار / به جای حلقه دربانی کند مار
بدین طاووس ماران مهره پاشند / که طاووسان و ماران خواه‌تاشند
مسی پوشیده زیر کیمیایی / غلط گفتم که گنجی و اژدهایی
(نظامی، ج ۱، ۱۳۸۸: ۳۷۶)

عقل تو جانی است که جسمش تویی / جان تو گنجی که طلسمش تویی
کی دهد این گنج، تو را روشنی / تا تو طلسم در او نشکنی؟
(همان: ۸۳)

شاعر برای بیان مفهوم رسیدن به معنا از تناسب بین کلمات گنج و طلسم استفاده کرده است؛

چرا که راه رسیدن به گنج طلسم‌گشایی و راه رسیدن به جان، برداشتن طلسم وجود مادی است.

تشبیه

گنج امان نیست در این خاکدان مغز وفا نیست در این استخوان
(نظامی، ج ۱، ۱۳۸۸: ۶۶)

نظامی در این بیت از اضافه تشبیهی استفاده و امان را به گنج تشبیه کرده است. وی با استفاده از تشبیه توانسته ترکیبات زیبایی را خلق و هرچیز با ارزش را به گنج مرتبط کند.

لیلی که چو گنج شد حصاری می‌بود چو ماه در عماری
(همان: ۴۵۰)

در این تشبیه شاعر به بُعد پنهان بودن گنج نظر داشته و معشوق را چون گنج پنهانی دانسته است.

آن می که کلید گنج شادی است جانداروی گنج کیقبادی است
(همان: ۴۱۹)

نظامی در آثار و اشعارش خود را به گنج تشبیه می‌کند و با بهره‌مندی از حدیث «ان الله تعالی کنوزاً تحت العرش امسکها عن الانبياء و اجریها علی لسان الشعرا» این ابیات را گفته است:

ز گنج سخن مهر برداشتم در او دُرّ ناسفته نگذاشتم
(نظامی، ج ۲، ۱۳۸۸: ۵۷۶)

قافیه‌سنان که سخن برکشند گنج دو عالم به سخن درکشند
خاصه کلیدی که در گنج راست زیر زبان مرد سخن‌سنج راست
(نظامی، ج ۱، ۱۳۸۸: ۲۲)

عماد خویی، خواجه ارجمند که شد قدّ قائد بدو سربلند
جهان را ز گنج سخن کرده پر ز دُرّج سخن بر سخا گشته پر
(نظامی، ج ۲، ۱۳۸۸: ۴۹۸)

استعاره

که بی کاوین اگرچه پادشاهی ز من برنایدت کامی که خواهی
بدین تندی ز خسرو روی برتافت ز دست افکند گنجی را که دریافت
(نظامی، ج ۱، ۱۳۸۸: ۳۰۸)

در بیت بالا منظور از گنج، خسرو پرویز است و شیرین به او می‌گوید که بدون کاوین هرگز

به کام من نخواهی رسید.

چنین گویند کاسب باد رفتار
سقط شد زیر آن گنج گهر بار
(نظامی، ج ۱، ۱۳۸۸:۲۵۴)

گنج: استعاره از شیرین است.

مهره خویش دید در دستش
مهر خود در دو نرگس مستش
گوهرش را به مهر خود نگذاشت
مهر گوهر ز گنج او برداشت
(نظامی، ج ۲، ۱۳۸۸:۱۳۴)

همان‌طور که گنج همیشه بسته و سر به مهر است، نظامی در موارد بسیاری در آثار خودش در توصیف نخستین عشق‌بازی عاشق و معشوق از این استعاره استفاده می‌کند.

ساخت عبارات ادبی (کنایی)

تا تو به خاک اندری ای گنج پاک
شرط بود گنج سپردن به خاک
(نظامی، ج ۱، ۱۳۸۸:۱۳)

گنج پاک کنایه از رسول اکرم(ص) است.

چو باد از گنج بادآورد راندی
ز هر بادی لبش گنجی فشاندی
(همان: ۲۱۳)

گنج بادآورد کنایه است از چیزی که بدون تلاش و کوشش به دست آید. تلمیح به ماجرای گنج بادآورد که «قیصر روم از خوف خسرو پرویز چند کشتی از زر سرخ پر کرده بود و به جزیره می‌فرستاد و باد مخالف، آن کشتی‌ها را به سوی ملک پرویز آورد و پرویز آن مال را گرفت و آن مال را گنج بادآورد نام کردند» (آندراج و غیاث‌اللغات: ذیل واژه).

ز گوهر شب‌چراغی چند بودش
که عقدگوش گوهر بند بودش
گشاد از گوش با صد عذر چون نوش
شفاعت کرد کاین بستان و بفروش
بر آن گنجینه فرهاد آفرین خواند
ز دستش بستد و در پایش افشاند
(نظامی، ج ۱، ۱۳۸۸:۲۳۲)

گنجینه کنایه از هر چیز با ارزش است.

تحلیل تصاویر مبتنی بر گنج و طلسمات

موضوع گنج، دفینه‌ها و طلسمات در روند مضمون‌سازی در خمسه نظامی نقش پررنگی دارد. نظامی این مضامین را به دو صورت در خمسه خود به کار بسته است: در منظومه‌های تاریخی

نظامی، این مضامین بخشی از پیرنگ داستان را تشکیل می‌دهند و در فضاسازی صحنه‌های داستانی حضور دارند؛ به این صورت که در قسمتی از داستان‌ها پیدا کردن گنج و از بین بردن طلسمات مختلف به بخشی از چالش‌ها در داستان تبدیل می‌شود و گشایش طلسم باعث گشایش گره‌های داستانی می‌شود. از این جهت باید گفت که تسلط نظامی بر این دست مضامین با جزئیات ظریف آن به واسطه زندگی در شهر گنجه عامل مهمی در داستان‌پردازی‌های زیبای او بوده است؛ از سویی دیگر، نظامی در بیان انواع مضامین شعری از تصاویر مربوط به گنج بهره برده است و بدین ترتیب باید گفت که یکی از عوامل وسعت معنایی در خمسه نظامی تسلط وی بر موضوع گنج و طلسمات بوده است. وی در توصیفات عاشقانه، وصف طبیعت، مدح و منقبت تا مضامینی مانند تعلیم و تعارف، از این تصاویر بهره برده است؛ به این ترتیب که به واسطه ارتباط تصویری بین یک مفهوم و گنج و موارد مربوط به آن توانسته به مضمون‌پردازی‌های ظریف و متنوع در خمسه خود پردازد.

مطالعه و بررسی بلاغی ابیات نظامی که حاوی مفاهیم مربوط به گنج و ملزومات آن است نشان می‌دهد که این مفاهیم معمولاً دست‌آویز نظامی برای برساختن تصاویر ادبی قرار گرفته است؛ یعنی جاهایی که شاعر می‌توانسته است از مهارت‌های بیانی بهره ببرد، یکی از ابزار او مفاهیم مربوط به گنج، طلسم و متعلقات آن بوده است؛ پس همانطور که در ابیات نمونه مشاهده می‌شود، در ساخت تشبیه و استعاره و در مواردی کنایه از ارتباط مشترک بین گنج و تصاویر مورد نظر شاعر استفاده شده است. اینکه شاعر توانسته بر پایه شباهت این تصاویر را بسازد ناشی از برخی ویژگی‌ها بوده است:

گنج به اشیای گران‌قیمت و باارزش اطلاق می‌شود. همانطور که در مقدمه گفته شد، نگهداری آن مستلزم ساخت مکان‌هایی اغلب در زیر زمین توسط افراد متخصص است، از طرفی دسترسی به آن مستلزم آگاهی به علوم مختلف و پذیرش رنج‌های بسیار است. همین خصایل باعث شده است که گنج مشبه‌به خوبی برای موضوعاتی از قبیل سخن، بزرگان، زیبارویان و مواردی از این دست باشد.

از دیگر موارد کاربرد ادبی گنج و مفاهیم مربوط به آن در خمسه نظامی ساخت ترکیب‌های هم‌وزن و هم‌آهنگی مانند گنج و رنج و پارانج بوده که در ادبیات سنتی فارسی بسیار مرسوم بوده است. در ساخت ترکیبات ادبی با استفاده از این مفهوم کنایاتی دیده می‌شود که بیشتر بر

مبنای تلمیح و نمایانگر این هستند که شاعر بین اطلاعات تاریخی خود و توان ترکیب سازی‌های ادبی‌اش ارتباط خوبی برقرار کرده است.

از بررسی ساختار بلاغی تصاویر مجازی مربوط به گنج و طلسمات در خمسه نظامی، آشکار می‌شود که این تصاویر، ادامه راه تصاویر مشابه در ادبیات فارسی هستند؛ بنابراین می‌توان گفت افزون‌بر محیط شهر گنجه و تأثیر طبیعت، دانش زمان نیز عامل مهمی در بهره‌گیری ادبی از تصویرهای مربوط به گنج و طلسمات در خمسه نظامی است.

نتیجه‌گیری

علم طلسمات و گنجینه‌ها با جزئیاتی مانند تصاویر مربوط به پنهان‌کردن گنج، راه‌های مختلف طلسم‌گشایی و طلسم‌افکنی، ویژگی‌های افرادی که بدان دسترسی و آگاهی دارند، تصاویر زیبا و مضامین فراوانی را در ادبیات فارسی رقم زده است و می‌تواند نشانگر این باشد که شاعران فارسی چه توانایی‌هایی در زمینه تصویرسازی‌های ادبی و داستان‌پردازی دارند؛ همین‌طور ناظر بر این موضوع مهم است که طلسمات مربوط به گنجینه‌ها در دوران گذشته اهمیت تاریخی فراوانی داشته و شاعرانی که در محیط زندگی خود با این دست مسائل مواجه بوده‌اند، با این علم آشنا می‌شدند و از آن بهره می‌جستند.

تقسیم‌بندی دو نوع تصاویر خیال‌انگیز اولیه و ثانویه در کاربرد گنج و طلسمات در خمسه نظامی به تصاویر زبانی و مجازی، دو نوع کاربرد کلی از این تصاویر را آشکار می‌کند:

۱. محتوایی: در این بخش نظامی هنر داستان‌پردازی خود را با دانسته‌های تاریخی‌اش می‌آمیزد و با بهره‌گیری از روش‌های مختلف تولید محتوا در ادبیات فارسی، از این مفاهیم در فضا سازی داستان‌های خود و پیش‌بردن پیرنگ داستانی بهره می‌گیرد. بررسی این نوع مضمون‌پردازی آشکار می‌کند که نظامی ضمن اینکه مانند سایر هم‌تایان خود در موضوعات عرفان و تعرف، مدح پادشاهان و توصیف در مواردی نیز این مضامین را به‌گونه‌ای به کار برده که می‌توان گفت تکمیل‌کننده سبک شخصی او به‌مثابه شاعر منظومه‌سرا به‌ویژه منظومه‌های داستانی بوده است که همان‌طور که در متن مقاله مشاهده شد، مضامین مربوط به تمثیل و داستان‌پردازی بوده است.

۲. بلاغی: این یکی دیگر از وجوه‌های کاربرد مضامین طلسمات و گنجینه‌ها در پنج گنج نظامی بوده است. در این قسمت آرایه‌های مختلف به چند ساختار کلی تقسیم شدند و آشکار شد که ساختاری که نظامی بیشترین بهره را از آن برده، آرایه‌های مبتنی بر شباهت بوده است؛

یعنی شباهت بین مفهوم مورد نظر شاعر با ویژگی‌های مخصوص گنج و طلسم. در این قسمت جزئیاتی که در کاربرد محتوایی مورد نظر شاعر بوده، مشاهده نشد و همان‌طور که گفته شد، کلیت خواص گنج و طلسم مورد نظر نظامی بوده است.

در خمسه نظامی عبارات و واژه‌های مربوط به طلسم و گنج با بسامد زیاد و چیره‌دستی و استادی در خلق تصاویر زیبای ادبی با استفاده از برقراری ارتباط بین مفاهیم و واژه‌های گنج و طلسم به کار گرفته شد؛ همین‌طور مضمون‌پردازی‌های ادبی در حوزه‌های مربوط به توصیف؛ به‌ویژه توصیف طبیعت، مدح و منقبت و عرفان و تعرف نیز از این مفاهیم متأثر بوده است؛ اما مقایسه بین تصاویر مجازی و تصاویر زبانی مربوط به علم طلسمات و گنجینه‌ها در خمسه نظامی آشکار می‌کند که آن چیزی که از نظر پنهان مانده اما چیره‌دستی بیشترین نمود را داشته، قدرت داستان‌پردازی و فضاسازی داستانی با استفاده از دانسته‌های تاریخی ناشی از محیط رشد و پرورش شاعر بوده است.

پی‌نوشت

۱. من اهل الطوانه من بلاد الروم و يقال انه احدث الکلام علی الطلسمات و کتابه فیما عمله بمدینه و بممالک الملوک من الطلسمات. معروف. مشهور.
۲. «سُداب یا سداب»، سداب‌ها دسته‌ای از تیره سدابیان «روتراسه» هستند و مهم‌ترین نوع آن سداب کوهی «روتا» است دارای برگ‌های باریک و بسیار متعفن که برای گریزانیدن حشرات به کار رود» (دهخدا: ذیل واژه).
۳. باید به این نکته توجه کرد که در گنج‌یابی همیشه برای گنج، نمونه‌ای کوچک از گنج را در سر گنج و دفینه قرار می‌دادند تا کسانی که به سراغ آن می‌آیند به همان نمونه که اصطلاحاً «سر بار گنج» نامیده می‌شود، اکتفا کنند و از بردن تمام گنجینه‌ها منصرف شوند و گمان کنند که همان سر بار، تمام دفینه‌ای است که پنهان شده و این نوعی حيله و فریب برای حفظ اموال از تصرف دشمنان محسوب می‌شد (ر.ک: زاهدی: ۱۳۹۸).
۴. «حربه دسته‌دار مردم گیلان و مازندران که دسته‌اش از آهن و سرش مانند داس و در غایت تیزی است که بدان درخت تیز اندازند. کوچک و دو دمه و سر آن مانند سر سنان باریک و تیز» (دهخدا: ذیل واژه).

منابع

کتاب‌ها

- اکبرآبادی، سراج‌الدین علی‌خان بن حسام‌الدین (۱۳۳۷) فرهنگ چراغ هدایت، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: معرفت.
- ایونس، ورونیکا (۱۳۸۱) / ساطیر هند، ترجمه باجلان فرخی، تهران: اساطیر.

بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد (۱۳۷۲) *الجماهر فی الجواهر*، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

پادشاه، محمد (۱۳۶۶) *فرهنگ آندراج*، تهران: خیام.

پورنامداریان، تقی، موسوی، مصطفی (۱۳۹۲) *گزیده مخزن الاسرار*، تهران: نامک.

جایز، گرترو (۱۳۷۰) *سمبل‌ها*، ترجمه محمدرضا بقاپور، تهران: مترجم.

حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد (۱۳۹۶) *دیوان*، به تصحیح علامه قزوینی و قاسم غنی،

تهران: اساطیر.

حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۷۶) *معجم البلدان*، بیروت: دار بیروت للطباعة و النشر.

خاقانی شروانی (۱۳۹۱) *دیوان*، شرح سیدضیاءالدین سجادی، تهران: زوار.

خلف تبریزی، محمدحسین (۱۳۴۲) *فرهنگ فارسی برهان قاطع*، تهران: ابن سینا.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) *لغت‌نامه*، جلد ۱۲، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

رستگارفسائی، منصور (۱۳۷۹) *اژدها در اساطیر ایران*، تهران: توس.

زمانی، کریم (۱۳۸۷) *شرح جامع مثنوی معنوی*، دفتر ۲، تهران: اطلاعات.

ستوده، منوچهر (۱۳۶۲) *حدود العالم من المشرق الى المغرب*، تهران: طهوری.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۷) *فرهنگ اشارات*، جلد ۲، تهران: میترا.

طالبیان، یحیی (۱۳۷۹) *صور خیال در شعر شاعران سبک خراسانی*، کرمان: عماد کرمانی.

فتوحی، محمود (۱۳۸۵) *بلاغت تصویر*، تهران: سخن.

قهرمان، محمد (۱۳۹۳) *تصحیح دیوان محمدعلی صائب تبریزی*، تهران: علمی فرهنگی.

کریستی، آنتونی (۱۳۸۴) *اساطیر چین*، ترجمه باجلان فرخی، تهران: اساطیر.

مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۶۷) *نزهة القلوب*، مقاله ثالثه به‌اهتمام گای لیسترنج، تهران: توس.

معین، محمد (۱۳۸۸) *فرهنگ فارسی معین*، تهران: امیرکبیر.

معین، محمد (۱۳۹۴) *مزدیسنا و ادب فارسی*، تهران: دانشگاه تهران.

ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۴۳) *الفهرست*، تهران: کتابخانه ابن سینا.

نفیسی، علی اکبر (۱۳۴۳) *فرهنگ نفیسی (ناظم الاطبا)*، تهران: خیام.

وارنر، رکس (۱۳۸۶) *دانشنامه اساطیر جهان*، برگردان ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: اسطوره.

وحید دستگردی، حسن (۱۳۸۸) *کلیات نظامی گنجوی*، جلد ۱ و ۲، تهران: زوار.

هال، جیمز (۱۳۸۰) *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.

همدانی، محمد ابن محمود (۱۳۹۰) *عجایب‌نامه (عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات)*، تهران: مرکز.

یوشیچ، نیما (۱۳۶۴) *مجموعه آثار*، تهران: ناشر.

مقالات

پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۶). *تخیل هنری و نمودهای آن در آثار عطار. پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهرگویا)*، ۱(۲)، ۱-۳۰.

حجت، محمد. (۱۳۹۲). *نقش طلسم و جادو و برخی صنایع غریبه در داستان‌های هزار و یک شب. نشریه نثرپژوهی ادب فارسی*، ۱۶(۳۳)، ۱۰۵-۱۳۲. doi: 10.22103/jil.2014.636

علایی، مشیت. (۱۳۸۰). *نقد ادبی و جامعه‌شناسی. کتاب ماه ادبیات و فلسفه*، (۴۷-۴۶)، ۲۰-۳۳.

عزیزی فر، امیرعباس. (۱۳۹۲). *بررسی طلسم و طلسم‌گشایی در قصه‌های عامیانه فارسی (سمک عیار، حسین گُرد و امیرارسلان). متن‌شناسی ادب فارسی*، ۵(۱)، ۸۳-۱۰۰.

منابع شفاهی

زاهدی، محمدرضا (رئیس اداره اموال فرهنگی اداره کل موزه‌ها، وزارت میراث فرهنگی و صنایع گردشگری). (اردیبهشت ۱۳۹۸). *تاریخچه علوم غریبه در ایران و باورهای جدید باستان*.

References

Books

Akbarabadi, Sirajuddin Alikhan Ibn Hesamuddin (1958) *Farhang Chirag Hedayat*, by Mohammad Dabir Siyaghi, Tehran: Marefaat

Biruni, Abu Reihan Mohammad Ibn Ahmad (1993) *Al-Jamahir Fi Al-Jawahir*, Tehran: Scientific and Cultural Publications.

Christie, Anthony (2004) *Chinese mythology*, Translated by Bajelan Farrokhi, Tehran: Asatir.

Dehkhoda, Ali-Akbar (1998) *Loqat Name*, Volume 12, Tehran: Publishing and Printing Institute of Tehran University.

Fotouhi, Mahmoud (2008) *Balaqate Tasvir*, Tehran: Sokhan.

Hafez, khajeShamsuddin Mohammad (2017) *Diwan*, edited by Allama Qazvini and Qasim Ghani, Tehran: Asatir.

Hall, James (2001) *Pictorial Dictionary of Symbols in Eastern and Western Art*, translated by Roqayye Behzadi, Tehran: Farhang Moaser.

Hamavi, Yaqut Ibn Abdullah (1997) *Mojam-Ol- Boldan*, Beirut: Dar Beirut for printing and publishing.

Hamdani, Mohammad Ibn Mahmoud (2010) *Ajaibnameh (Wonders of Creation and Strange Creatures)*, Tehran: Center.

Ions, Veronika (2002) *Mythology of India*, translated by Bajelan Farrokhi, Tehran: Asatir.

Jobs, Gertrude (1991) *Symbols*, translated by Mohammad Reza Baghapour, Tehran: Motarjem.

Khalafe Tabrizi, Mohammad Hossein (1963) *Farhange Borhane Qate*, Tehran: Ibn Sina.

Khaqani Sherwani (2011) *Diwan*, description of Seyyed Ziauddin Sajjadi, Tehran: Zovvar.

Moein, Mohammad (2009) *Farhang Farsi Moein*, Tehran: Amirkabir.

Moein, Mohammad (2014) *Mazde Yasna and Persian Literature*, Tehran: University of Tehran.

Mostofi Qazvini, Hamdollah (1988) *Nozhat-Ol-Qolub*, third essay by Guy Listrange, Tehran: Toos.

Nadim, Muhammad Ibn Ishaq (1964) *Al Fehrest*, Tehran: Ibn Sina Library.

Nafisi, Ali Akbar (1964) *Farhang Nafisi (Nazam-Ol-Atebba)*, Tehran: Khayyam.

Padishah, Mohammad (1987) *Farhang Anenderaj*, Tehran: Khayyam.

Pournamdarian, Taghi, Mousavi, Mostafa (2012) *Selection of Makhzan-ul-Asrar*, Tehran: Naamak.

Qahraman, Mohammad (2013) *Editing of Diwan Mohammad Ali Saeb Tabrizi*, Tehran: Elmi- Farhangi.

Rastegare Fasaee, Mansour (2000) *Izhdaha Dar Asatire Iran*, Tehran: Tos.

Shamisa, Siroos (2008) *Farhang Esharat*, Volume 2, Tehran: Mitra.

Sotoudeh, Manouchehr (1983) *Hodood-Ol- Alam Men-Al- Mashreq El-Al-Maqreb*, Tehran: Tahuri.

Talebian, Yahya (2000) *sovere khial dar she're shaeran'e sabk'e khorasani*, Kerman: Imad Kermani.

Vahid Dastgerdi, Hassan (2009) *Kolliate Nizami Ganjavi*, Volumes 1 and 2, Tehran: Zovvar.

Warner, Rex (2007) *Encyclopedia of Asatir Jahan*, translated by Abolqasem Esmailpour, Tehran: Ostoure.

Yoshij, Nima (1985) *Majmooe Asar*, Tehran: Nasher.

Zamani, Karim (2008) *Comprehensive description of Masnavi Manavi*, note book 2, Tehran: Ettelaat.

Articles

Alaei, Mashiat. (2008). Literary criticism and sociology. The book of the month of literature and philosophy, (47-46), 20-33.

Azizi Far, Amir Abbas. (2012). Investigating spells and breaking spells in Persian folk tales (Samak Ayyar, Hossein Kord and Amir Arslan). Textology of Persian literature, 5(1), 83-100.

Hojjat, Mohammad. (2012). The role of spells and magic and some strange crafts in the stories of one thousand and one nights. *Persian Literature Prose Journal*, 16(33), 105-132. doi: 10.22103/jll.2014.636.

Poornamdarian, Taghi. (2007). Artistic imagination and its manifestations in Attar's works. *Researches of mystical literature (Gohar Goya)*, 1(2), 1-30.

Oral References

Zahedi, Mohammad Reza (Head of the Cultural Property Department of the General Directorate of Museums, Ministry of Cultural Heritage and Tourism Industries). (May 2018). History of foreign sciences in Iran and new ancient beliefs.

Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts
(Dehkhoda)

Volume 14, Number 53, Fall 2022, pp. 190-217

Date of receipt: 28/5/2020, Date of acceptance: 15/9/2020

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2022.694825](https://doi.org/10.30495/dk.2022.694825)

Discovering and analyzing the use of burial spells and treasures in selected verses from nizami's Khamse

Ahmad Jafari¹, Dr. Yahya Talebian², Dr. Abbas Ali Vafaei³

Abstract

One of the phenomena studied in archeology is the study of historical beliefs and documents about the spells of treasures. The science of spells deals with: how to keep treasures, bury them in the ground to protect them from thieves and enemies, put various spells on them, ways to detect and open spells in Burials place. In his Khamse, Nizami has used these topics in great detail. The need to revise the traditional works of Persian literature from the point of view of archeology and to discover the historical values of a prominent literary work has created the need to explore how to use the themes of spells and treasures in Khamse. This research has been done by using field observations, by conducting interviews with cultural heritage experts and by using descriptive analytical method. The analysis of verses based on the classification of the imagination in Coleridge's Theory and also two different functions of the image in the literature as the linguistic and the virtual function reveals that in terms of content, spells and treasures have been used in the field of fiction and also pride, allegory, description, lyricism, praise and mysticism. Among these themes, the field of fiction is the most visible due to the use of precise details, and in other areas, it reveals the poet's thematic power. In rhetorical analysis, the study of three different literary structures shows that Nizami has created beautiful literary arrays by discovering the same features between specific concepts and spells and treasures.

Keywords: Knowledge of spells and treasures, Use of spells and treasures in Khamse, Linguistic image, Virtual image.

¹ . Master student of Persian language and literature, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. ahmadjafary1372@yahoo.com

² . Professor of Persian language and literature, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) ytalebian@gmail.com

³ . Professor of Persian language and literature, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. a_a_vafaie@yahoo.com

